

# این روزگار مستقیماً

گاهنامه‌ی سیاسی فرهنگی اجتماعی انجمن اسلامی دانشکده  
شریعتی

سال چهارم، شماره بیست و دوم، تیر ماه ۱۴۰۲

## صفحه ۱

آزادی یا وقاحت؟!

## صفحه ۲

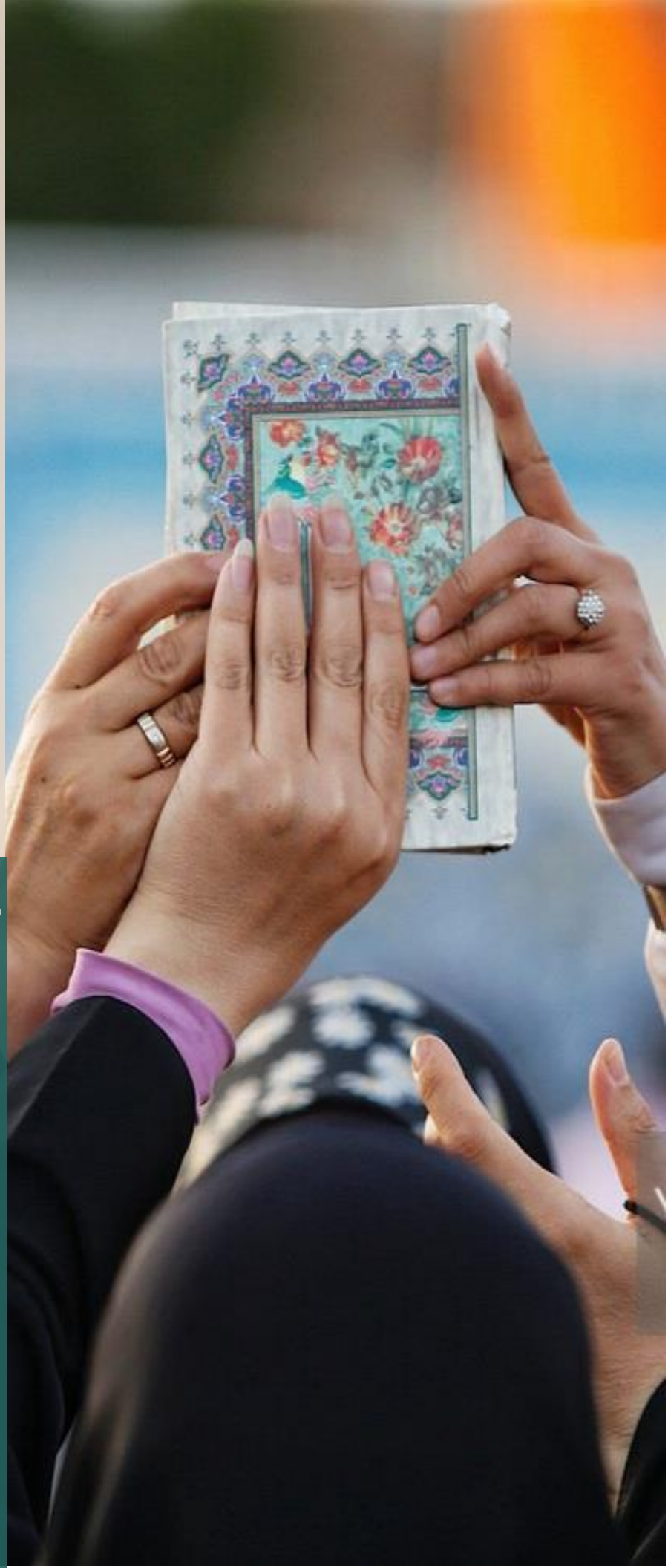
یک دیدار دیپلماتیک

## صفحه ۳

سقوط اشرف

## صفحه ۴

عدالت خط قرمز ندارد!





گاهنامه‌ی سیاسی فرهنگی اجتماعی انجمن اسلامی دانشکده  
شریعتی

سال چهارم، شماره بیست و دوم، تیر ماه ۱۴۰۲

صاحب‌امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده دکتر شریعتی

مدیرمسئول و سردبیر: زهرا امامی

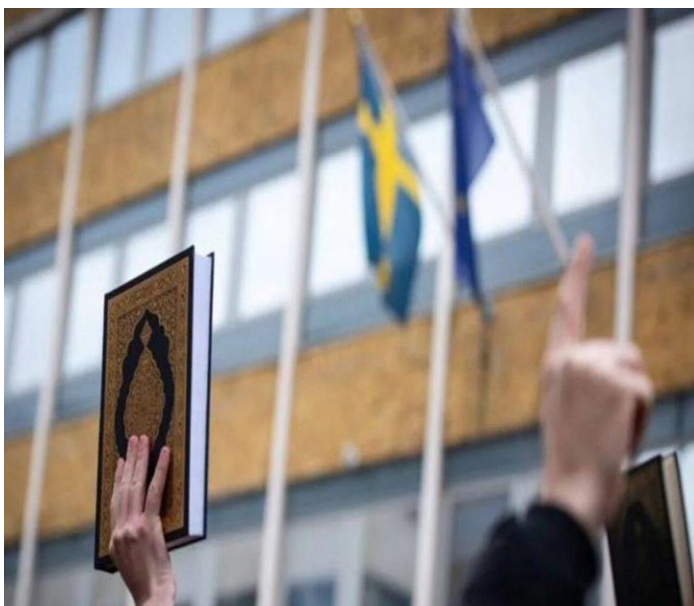
هیئت تحریریه: معصومه جعفری

شکوفه جم، هانیه ادیب‌زاده، کوثر سرفرازی

## آزادی یا وقاحت؟!

معمومه جعفری

در کشورهای مختلف از جمله هلند، دانمارک، ترکیه و ... رخ داده است، دولت های اسلامی باید برخورد پشیمان کننده ای با هتاکان قرآن داشته باشند تا دیگر هیچ کس دست به این اقدام ننگین تروریستی نزند. دشمنان اسلام و قرآن گمان می برند میتوانند نور اسلام را با اقدامات اینچنینی بی فروغ کنند، حال آنکه محبوبیت اسلام در بین جوانان اروپایی روز به روز افزایش می یابد.



قرآن سوزی آن هم در کشور سوئد اولین باری نیست که اتفاق می افتد و گویا اروپا برای جلوگیری از گسترش اسلام راهی جز روی آوردن به شیوه های قرون وسطی با پوشش آزادی ندارد، هفته ی گذشته فردی در مقابل مسجد اصلی شهر یک نسخه از قرآن را آتش زد، وی برای این کار خود اقدام به گرفتن مجوز از پلیس کرده بود. پلیس سوئد با درخواست برگزاری تجمع اعتراضی و آتش زدن قرآن مخالفت می کرد اما دادگاه سوئد، حکم پلیس را لغو کرد و گفت قرآن سوزی در راستای آزادی ابراز نظر است که قانون اساسی سوئد، آن را تضمین کرده است. برخی از افراد حاضر در آن مکان، همزمان با این اتفاق در اعتراض به این اقدام شعار الله اکبر سر دادند؛ پلیس هم یک نفر را به دلیل پرتاب سنگ به سمت عامل آتش زدن قرآن، بازداشت کرد. این اقدام به سرعت به یکی از مهم ترین رویدادها در خبرگزاری های جهان منتشر شد. این واقعه اهانتی بزرگ به مقدسات مسلمانان بوده و این موضوع قابل گذشت نیست و نمی توان آن را به عنوان آزادی بیان تلقی کرد. قرآن خود نماد آزادی است و به بشریت آزادی می آموزد؛ چطور ممکن است کسی که خود را آزاده مینامد، به مقدسات قریب به یک میلیارد نفر توهین کند؟!

در پی این اقدام اهانت آمیز از سوی مستکبران، مردم و دانشجویان مقابل سفارت سوئد در محکومیت هتک حرمت و سوزاندن قرآن کریم تجمع اعتراضی داشته و بیانیه ای در این باره قرائت کردند. مردم عراق نیز برای محکوم کردن هتک حرمت به قرآن کریم در سوئد، به خیابان ها آمدند و مقابل سفارت سوئد تجمع کردند و بعد از هجوم شهروندان خشمگین عراقی به محوطه سفارت این کشور، کارمندان سفارت سوئد، از سفارت فرار کردند. همزمان که مقامات سوئد، قرآن سوزاندن را آزادی بیان و عقیده می دانند و برای آن مجوز هم صادر می کنند؛ دانشگاه استکهلم سوئد به دلیل اینکه یکی از دانشجویان ایرانی این دانشگاه، پایان نامه ی خود را به شهادی مقاومت تقدیم کرده است، به او اجازه ی دفاع نمی دهند و حتی جلسه ی دفاع او نیز با دخالت پلیس سوئد، نیمه کاره رها می شود؛ این امر نشان دهنده ی سلیقه ای بودن معقوله ی آزادی در بین مسئولان این کشور است. در مجموع با بیان اینکه این اقدام چندین



## یک دیدار دیپلماتیک

شکوفه جم

درباره‌ی کنگره‌ی بین‌المللی زنان موفق گرفته که به همت ایشان و با همکاری خانم سیلیا همسر نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا در ایران برگزار شده بود تا صحبت درباره مسائل زنان در دو کشور. بحث رسانه‌های غربی نیز بر سر اینکه خانم علم‌الهدی مخالف کار و تحصیل زنان است بی‌اساس بوده چرا که صحبت‌های همسر رئیس‌جمهور در مصاحبه‌ی خود پیرامون این مسئله بود که درس خواندن و کار کردن به گونه‌ای نباشد که ما زنان هویت زنانه خود را فراموش کنیم و مردانه رفتار کنیم و نکته‌ی دیگر اینکه همسر رئیس‌جمهور خود تحصیل کرده بوده و در جامعه حضور فعال دارد؛ پس چنین حرفی بی‌اساس است. در جایی دیگر از مصاحبه ایشان دست داشتن رسانه‌های غربی در اتفاقات اخیر ایران را محکوم می‌کند و از تلاش‌های دیکتاتورهای رسانه‌ای برای نابود کردن خانواده‌ها به خصوص در ایران گفتند؛ حال آن که به ایران دارای تمدن چند هزار ساله خدشه‌ای وارد نخواهد شد و به دنبال آن جمله‌ی غرور آمیزشان که:

«سن و سال آمریکا از درختان دانشگاهی که من در آن کار می‌کنم، کمتر است.» فارغ از این مصاحبه و صحبت‌های به جای خانم علم‌الهدی، اصل حضور ایشان به عنوان همسر رئیس‌جمهور در این سفر نشان از آن دارد که جمهوری اسلامی ایران زنان موفق و هوشمندی دارد که می‌توانند در صحنه‌ی سیاسی حضوری درخشان داشته و مشت محکمی بر دهان یابوه‌گویان باشند.

نقل همیشگی محافل عده‌ای از مردم کشور ما بی‌توجهی جمهوری اسلامی به مقام زن و نادیده گرفتن آنها بوده است. در میان این تفکرات، رئیس‌جمهور ایران، آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی، طی سفر ماه گذشته‌اش به آمریکای لاتین، همسر خود خانم علم‌الهدی را با خود همراه می‌کند. اتفاقی که برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی ایران افتاده و پیش از آن تنها در آمریکا این اتفاق رقم خورده بود. در پی مصاحبه‌ای که جمیله علم‌الهدی مقابل دوربین‌های تلویزیون ونزوئلا کرد، از یک سو، سوژه خوبی برای رسانه‌های غربی فراهم شد و از سوی دیگر رسانه‌های جریان غرب‌گرای اصلاح طلب فرصتی مناسب برای اظهار نظرها و نقدهای همیشگی خود یافتند. غرب‌گرایانی که همیشه فریاد دفاع از حقوق زنان سر می‌دهند اما در عمل نه تنها اقداماتی مانند دولت سید ابراهیم رئیسی ندارند، بلکه دیدیم زمانی به دنبال پاک کردن ننگ قتل همسر از دامان هم‌کیشان خود بودند. بدیهی است چنین کسانی درکی از حقوق زنانی که فریادش را می‌زنند، ندارند و چه خوب بود اگر اظهار نظری هم نمی‌کردند. خانم علم‌الهدی در این دیدار به خوبی نگاه مترقی جمهوری اسلامی به زنان را به تصویر کشیده و بر نقطه نظرهای مشترک دو کشور تاکید کردند که آنها نیز مانند ما برای خانواده اهمیت زیادی قائل اند. از گفت‌وگو

## سقوط اشرف

هانیه ادیب زاده

هرچه تلاش کند که چهره‌ی مظلومی از خود ارائه دهد و یا هرچه با شکایت به دادگاه حقوق بشر تلاش کند از کشورهای اروپایی تسهیلات برای مبارزه با جمهوری اسلامی دریافت کند، در نهایت باید بپذیرد که تشکیلاتش شکست خورده است، تغییر موضع غربی‌ها در حمایت از این گروهک تروریستی بیانگر موثر و نتیجه‌بخش بودن دیپلماسی اقتدار است که کشورهای اروپایی را به این نتیجه رسانده است، هزینه‌ی حمایت از این گروهک تروریستی بسیار بیشتر از کنار گذاشتن آنهاست. دور نیست روزیکه این تشکیلات از درون پوسیده برای همیشه از زمین محو شود و به زباله‌دان تاریخ بپیوندند. درباره سایر اپوزیسیون نیز جمهوری اسلامی باید کشورها را به این نتیجه برساند که حمایت از اپوزیسیون بی‌هزینه نخواهد بود و منافعشان را به خطر خواهد انداخت و مداخله‌های این کشورها و به خطر انداختن امنیت ملی بی‌هزینه نخواهد بود. بهتر است دیگر اپوزیسیون نیز از این اتفاق درس عبرت بگیرند چرا که همین روزها تاریخ انقضای آنها نیز برای کشورهای حمایت‌کننده از ایشان میگذرد و غربی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که پول‌پاشی برای اپوزیسیون ضربه‌ای به جمهوری اسلامی نخواهد زد.

همزمان با لغو شدن گردهمایی همه‌ساله سازمان منافقین در پاریس بعد از تماس سید ابراهیم رئیسی با امانوئل مکرون، پلیس آلبانی به کمپ اشرف حمله کرد و سران سازمان که خیالشان از بابت حمایت‌های همیشگی اروپایی‌ها راحت بود در شوک فرو رفتند. نخست وزیر آلبانی اعلام کرد که سازمان برای مبارزه با جمهوری اسلامی باید از کشورشان برود و دیگر جایی در آلبانی ندارد، از طرفی وزارت خارجه آمریکا از تحقیقات آلبانی حمایت کرد تا سازمان درمانده‌تر از همیشه شود، آلبانی‌نشینان که تشکیلات شکست خورده‌ی خود را با دلارهای غربی سرپا نگه داشتند، حالا دیگر برای



سازمان هرچه تلاش کند که چهره‌ی مظلومی از خود ارائه دهد و یا هرچه با شکایت به دادگاه حقوق بشر تلاش کند از کشورهای اروپایی تسهیلات برای مبارزه با جمهوری اسلامی دریافت کند، در نهایت باید بپذیرد که تشکیلاتش شکست خورده است

حامیان همیشگی خود سودی ندارند و دوباره با ناتوانی جسمی در اثر کهولت سن، باید آوارگی و حقارت را به دوش بکشند، که کمترین سزای پشت کردن به وطن و داغ دل خانواده‌های شهدا و قربانیان این گروهک تروریستی آوارگی دائمی و بی‌پناهی است. سازمان

## عدالت خط قرمز ندارد!

! کوثر سرفرازی

هیچ زیربنای اجتماعی از آن زیربنای شوم خطرناکتر نیست که انسانی یا انسانهایی بتوانند هر چه میخواهند بکنند بی آنکه بشود بر آنها خرده گرفت و بی آنکه بشود از آنها بازخواست کرد. مسئولیت در جامعه اسلامی مسئولیت متقابل است. شهید بهشتی

شرق تا غرب عالم را هم که بگردیم، بعضی از مفاهیم همیشه ارزش بوده‌اند و خواهند بود؛ ارزش‌ها و آرمان‌هایی که از فطرت انسان نشأت بگیرد همیشه جاودانه خواهند ماند و انسان الی‌الابد در پی محقق کردن‌شان گام برمیدارد و تلاش می‌کند. مصلحت اگرچه بر اساس واقعیت نیست اما ما را به سوی حقیقت می‌کشاند. ما را به خنکای اول انقلاب میبرد و شکاف به وجود آمده بین مردم و بعضی از مسئولین را پر می‌کند و دائما یادآوری می‌کند در برابر عقده‌گشایی و فساد طلبی برخی‌ها، دادخواهان ساکت نمی‌ایستند حتی اگر به قیمت جان فرزندشان تمام شود. مصلحت را هم میتوان نقد کرد، هم میتوان تشویق کرد اوایل فیلم دائما کلمه آقازاده در اذهان پررنگ میشود، اینکه سهم‌شان از قدرت به چه اندازه است که اسلحه حمل می‌کنند؟ اما آنچه حائز اهمیت است به شروع داستان مربوط میشود گویی که بخشی از فیلم را برش زده و حذف کرده باشی! مجاهدین تطهیر

و مظلوم میشوند و اشاره نمیشود که این اسلحه‌ها به دست خودشان وارد کشور شده است. شاید اگر شما هم بنابر دغدغه و اشتیاق به تماشایش بنشینید ابتدا و انتهای فیلم منتظر باشید که روی صفحه سیاهی کلمات به رقص در بیایند و خبر از سند و مدرکی برای تاریخی بودن این ماجرا بیاورند اما گویا کارگردان بنا را بر ساخته ذهن خود گذاشته و قصدی بر اعتبار بخشیدن ندارد تا موقع بیرون آمدن از سینما دست کم از چند نفر بشنوی کاش واقعی بود و عدالت در میان مسئولان نظام همینقدر تکریم میشد! حال آنکه این نوع واکنش‌ها در میان انقلابیون ما کم نبوده است از حکم اعدام آیت‌الله گیلانی برای فرزندانش تا سخن امام که فرمودند: اگر احمد من را هم دستگیر می‌کردند من چیزی نمی‌گفتم. لکن آن کس که تاریخ خوانده و منصفانه به تماشا بنشیند پازل‌ها را درست کنار هم می‌چیند و میداند خون دل خوردن‌های مخلصین انقلاب واقعی‌ست و حتی اگر انقلابی‌نماها سعی بر تندروی و پونز کوبیدن داشته و معتقد باشند اگر چنین و چنان نشود نهایت عمر انقلاب به ۶ ماه خواهد کشید؛ کسانی هستند که مصداق میشوند برای آیه (وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ) محققا بدانید که شما را اموال و فرزندان، فتنه و ابتلائی بیش نیست و در حقیقت اجر عظیم نزد خداست.

